

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فائق رستاقی

۰۶ جنوری ۲۰۲۰

## تشنج و تقابل خونین و فزاینده دول امریکا و ایران در خاور میانه

ترور فرمانده ارشد نظامی سپاه پاسداران نظام اسلامی ستمگر، توسعه طلب و فتنه گر حاکم بر ایران در صبح روز جمعه در میدان هوایی بغداد توسط نیروی هوایی امریکا به "فرمان ترمپ"، اوج تشنج و تقابل خونین میان دولت های امریکا و ایران و تداوم فزاینده مداخله و تجاوز آشکار دو دولت نامبرده را برای نقض استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور عراق نشان می دهد. این تقابل شتابگیر خونین و خطرناک، اکنون در پی آمد ترور قاسم سلیمانی و همراهان شیعه ایرانی و عراقی اش سرخط اخبار شده و دول و محافل کشور های جهان را به موضع گیری در قبال آن و - له و علیه- آن واداشته است.

این ترور از جانب دولت امریکا و به دستور مستقیم سردمدار قصر سفید در کشور سوم، مصداق تروریسم لجام گسیخته دولتی ایست که دولت امپریالیستی امریکا از آغاز دوره پس از اختتام جنگ سرد؛ در منطقه بالکان، چین، افغانستان، عراق، سوریه، لیبیا، یمن، پاکستان، لبنان و اقصی نقاط دنیا توأم با تروریست پروری و بال و پر دادن به گروه های تروریستی و تبهار، بدان متوسل شده است. این ترور دولتی، در عین حال نقض تمام قوانین و میثاق های پذیرفته شده سیاسی و دیپلماتیک و قاعده بازی هائی، از جانب قدر قدرت قلدری است، که کلیه دول امپریالیستی و ارتجاعی حاکم بر کشور ها و خلق های جهان، من جمله دولت قلدر امریکا، در ظاهر امر ملزم به رعایت آن هستند.

امپریالیسم امریکا در پی کسب هژمونی در منطقه دارای اهمیت حیاتی اقتصادی، سیاسی و نظامی شرق میانه و درک جایگاه حساس و کلیدی عراق در آن ستراتیژی سلطه بر منطقه و هکذا بابت تاراج منابع سرشار نفتی آن کشور، در ماه مارچ سال ۲۰۰۳ م عراق را اشغال و رژیم مستبد بعثی صدام حسین را سرنگون کرده و سپس خود وی را اعدام کرد. در پی آمد سقوط رژیم صدام و معدوم شدن خودش، امپریالیسم اشغالگر امریکا همراه با شرکای انگلیس خود با ایجاد و تحکیم پایگاه های نظامی در چند مرکز اساسی در عراق، رژیمی پوشالی خودساخته متشکل از کرد های شمال، شیعیان جنوب و شرق طرفدار ایران و مخالفان سنی صدام را در هیأت اداره مستعمراتی و تعیین یک وایسرای از جانب قصر سفید در عراق؛ منابع و شریان های نفتی و خطوط مواصلاتی جنوب صدور نفت خام (بندر بصره) را در انحصار غول های نفتی امریکائی در آورده و عراق را به زندان و شکنجه گاه مهیب قرن برای عراقی ها مبدل کرد. شنیدن داستان و دیدن عکس های شکنجه عراقی ها در زندان "ابوغریب" بغداد توسط نظامیان و شکنجه گران امریکائی در دوران بوش دوم، مو را بر بدن انسان راست می کند.

ادامه تجاوز و اشغالگری امپریالیسم امریکا در عراق همزمان با اشغال خونین افغانستان توسط امریالیسم امریکا و شرکای ناتوی اش، با همه مصائب و تبعات دردانگیزش در کلیه عرصه های زندگی برای کشور و مردم عراق، به تضاد ها و تحریکات وسیعی در درون و بیرون عراق و در سطح منطقه منجر شد که نه تنها عراق را در جنگی تجاوزکارانه و نیابتی فرو برد، آبادانی ها را ویران و مردم آن را قربانی کرد، بلکه آتش این جنگ و تشنج در شعاع وسیعی کشور های همجوار را فراگرفت. امپریالیسم امریکا پس از چند سال درگیری و اشغالگری مستقیم در عراق، در عین درگیری نظامی در افغانستان و تقابل خطرناک با رقبای روسی و چینی اش در جا های دیگر، در نتیجه شکست و ناکارآمدی سیاست و راه حل اشغالگرانه اش در عراق، به تعدیل ستراتیژی اش در عراق متوسل شده و در عین ادامه حضور اشغالگرانه نظامی در عراق، قسمت اعظم نیرو های اشغالگرش را از عراق بیرون کشید. متعاقب آن، امریکا برای پر کردن خلاء ایجاد شده در عراق و سوریه و سوار شدن بر موج مخالفت های برخاسته در برابر دولت های پوشالی و مستبد در عراق و سوریه، به جای جنگ مستقیم، در عین غارت نفت عراق، به روش جنگ نیابتی (Proxy War) متوسل شده و به ایجاد و تقویت گروه های اجبر تروریستی اسلامی در عراق و سوریه پرداخت که در تکاملش در وجود داعش و عملکرد این گروه مافوق افراطی و وحشی، در دو کشور نامبرده جهانی مبدل به خاک و خاکستر شد. ادامه حضور تجاوزکارانه امپریالیسم امریکا در عراق و تحریکات مستقیم و غیرمستقیم نظامی، اطلاعاتی و اقتصادی آن در سوریه به طور عمده و نقش آفرینی و حضور آن در بحران لاینحل جاری لبنان و جنگ و قتل عام مردم بی نوای یمن، همراه با تداوم اشغالگری و بحران آفرینی و تروریست پروری در افغانستان و تقویت اسرائیل و بلندپروازی حکام مرتجع عرب سعودی و غیرسعودی؛ مزید بر نقش آفرینی رقبای روسی، چینی، ایرانی و پاکستانی اش؛ کل منطقه شرق میانه، جنوب آسیا و آسیای میانه را به کانون داغ تشنج، تضاد و تقابل مبدل کرده و به سوی بی ثباتی کشانیده است.

ادامه حضور تجاوزکارانه و تداوم تقابل و تحریکات نظامی - اطلاعاتی امریکا در خاک عراق و از پایگاه های عراقی در برابر ایران، خود در عین دامن زدن به تشنج منطقه ای و افزودن به احتمال جنگ در منطقه؛ تداوم نقض استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی یک کشور ثالثی به نام عراق و ستم بر مردم آن توسط امریکا است.

نظامی گری، تشنج افزائی، توسعه جوئی، لشکرکشی و تدارک و راه اندازی جنگ های منطقه ای بخشی از ذات و نیاز طبقه حاکمه، دولت و مجتمع "نظامی - صنعتی" امپریالیستی امریکاست و بدون این جنگ ها و تشنج افزائی چندمنظوره نمی توانند به حیات شان ادامه بدهند. مزید بر این، ترمپ به مثابه یک شخصیت عوامفریب برای شهره شدن حتی به بدنامی علاقه وافر دارد. دونالد ترمپ که کابوس استیضاح از سوی حزب رقیب و کنگره امریکا او را تهدید و امکان راه یافتنش را در انتخابات بعدی تهدید و تحدید می کند، خودش و حزب دست راستی جمهوریخواه در آستانه انتخابات امریکا در نومبر سال جاری میلادی سخت در تلاش اند تا با قرار گرفتن در کانون توجه عمومی و جلب افکار عامه امریکا؛ حمایت نظامیان، دست راستی ها، گروه های ضد مهاجر و ضد مسلمانان و شرکت های غول پیکر سازنده جنگ افزار را به دست آورند.

در مقابل، رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران و خلق آن، تاریخچه چهل ساله ستم، جنایت و کشتار مردم معترض، انقلابیون و آزادیخواهان ایران را در کارنامه جنایتبارش دارد و ایران را به زندان مشترکی برای هشتاد میلیون ایرانی و به ویژه نیرو های مترقی، دگراندیشان، اقلیت های قومی - زبانی و مهاجران افغان مبدل کرده است. از روز اول، نیرو های سرکوبگر حزب الهی، پاسداران، بسیجی ها و نظامیان آن هر مخالفتی را با سببیت فاشیستی سرکوب کرده اند. در حالی که این سطور را می نویسیم، خون قربانیان کشتار دسته جمعی عمال سرکوبگر رژیم جهل و جنایت بر سنگفرش

های جاده های شهر های ایران نخشکیده و زندان ها پر از جوانان آزادیخواه و توده های معترض و منزجر از رژیم، ستم و جنایت آن، است.

رژیم توسعه طلب شیوخ تشیع در نقش بدیل رژیم امریکائی شاه، موازی با این ستم و سرکوب علیه انقلابیون و زحمتکشان در داخل ایران، در مناسبات بیرونی اش، در قبال کشور های همجوار و از آسیای میانه تا شرق شرق میانه؛ از شرق دور تا شمال افریقا با تکیه بر درآمد سرشار نفتی و به قیمت تشدید فقر و تحمیل ریاضت کشی بر مردم ایران، راه توسعه جوئی خطرناکی را برگزیده و با همه تبعات و مصائب بی شمار آن برای زحمتکشان ایران، آن راه را ادامه داده است.

همان طور که گفته شده، "شاه و شیخ دو روی یک سکه" اند. دیروز در رژیم شاه شوونیسم عظمت طلبانه رژیم پهلوی در قبال اقلیت های غیرفارس و کشور های همجوار و منطقه، بر برتری نژادی و آریا بازی و در لباس آریامهری و خوار و کوچک شمردن دیگران ارائه می شد و رژیم شاه با این بلندپروازی، از این کراهتی نداشت که به ژاندارم امریالیسم امریکا در منطقه شهرت یابد.

با دور خوردن روی سکه، رژیم شیوخ تشیع حاکم بر ایران با بلند کردن درفش ایدئولوژیک تشیع و تبدیل تشیع و باور شیعیان ایرانی و غیرایرانی به ایدئولوژی سیاسی، آن ایدئولوژی را در خدمت توسعه طلبی و شوونیسم عظمت طلبانه قرار داده و تن عریان عظمت طلبی نژادباورانه رژیم پهلوی را با لباس مندرس مذهبی پوشانیده و خود آن را حفظ کرده و تکامل مزید و خطرناک داده است.

سیاست و عملکرد رژیم جهل و جنایت حاکم بر خلق ایران در قبال افغانستان، از چهل سال قبل تا همین امروز سراپا جنایتکارانه بوده است. ایجاد و تقویت گروه های خودفروخته نصر و سپاه و حزب وحدت و قلع و قمع انقلابیون و آزادیخواهان افغانستان توسط این گروه های افراطی مزدور ساختن فم در دوران مقاومت علیه اشغال سوسیال امپریالیسم روس، تشدید نفاق قومی - مذهبی، کمک به حزب وحدت مزاری - خلیلی، تقویت دسته های شیریر و ویرانگر اخوان جمعیتی - شورای نظاری بر پایه تاجیک تباری و دامن زدن به کشتار عمومی، تصفیه های خونین قومی - مذهبی، سهم داشتن در کشتار کابلیان و تخریب کابل در دهه نود میلادی، برخورد فاشیستی در قبال مهاجران افغان در ایران، تأیید تلویحی تجاوز امریکا - ناتو به افغانستان، تشکیل گروه فاطمیون از جوانان محتاج و یا تخدیر شده هزاره افغانستان و اعزام آن ها به سوریه و به کشتن دادن چند هزار شان، دادن سلاح و آموزش نظامی به طالبان و حمایت سیاسی، تبلیغاتی و دیپلماتیک از طالبان فاشیست و خودفروخته و موارد دیگر... به اختصار رؤوس عمده سیاست و عملکرد توسعه جویانه، عظمت طلبانه و تجاوزگرانه حاکمان فعلی ایران را در قبال کشور و مردم افغانستان بازگو می کند.

رژیم منفور آخوندی ضمن ناامیدی از حمایت مردمی در داخل ایران، با انتقال بحران به بیرون، راز بقایش را در بسیج باورمندان ناآگاه و فریفته ایدئولوژی سیاسی تشیع، مداخلات و تجاوزات آشکار در امور داخلی کشور های همسایه و پس از تجاوز امریکا - انگلیس به عراق با تقویت و سازماندهی و تسلیح گروه های شبه نظامی در جنوب و شرق عراق و با بالا گرفتن بحران سوریه و جنگ نیابتی گروه های مورد حمایت امریکا و غرب علیه رژیم بعث بشار اسد، حضور فعال نظامی در آن جا؛ نظامی گری و صرف بودجه در جنگ های نیابتی در این دو کشور و کشور های لبنان، یمن، قطر و غیره و کنار آمدن با دولت های روسیه و چین و در تقابل با تحریکات رژیم های شیوخ عرب تسنن، جست و جو کرده است. شعار آزادی بیت المقدس و تظاهر به دشمنی با اسرائیل غاصب، شعاری است عوامفریبانه که در خدمت توسعه طلبی و رقابت این رژیم غاصب و ستمگر با مثلث امریکا، اسرائیل و حکام و هابی سعودی، قرار دارد.

آن چه این روز ها در عراق جریان دارد، تقابل و تخاصم خونینی است میان امریکا و ایران که دود آن چشم مردم عراق را کور کرده و آتش آن تن و روان آنان را می سوزاند. هر دو جانب این جنگ ارتجاعی متجاوز اند و جنایتکار. ادامه حضور اشغالگرانه نظامیان امریکائی و بمب و تروریسم دولتی امریکا در عراق و ایدئولوژی تشیع و مداخلات و تشنج افزائی پیهم دولت توسعه جوی ایران و تحریک و بسیج شیعیان عراقی، تجاوز آشکار در امور داخلی عراق و ناقض استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور و مردم عراق است. در کل، این تقابل خونین و خطرناک دو جانب امریکائی و ایرانی در عراق و تشدید تقابل و رقابت دول امپریالیستی و توسعه طلب منطقه در سوریه و شرق میانه، از منظر انسان های مترقی و آزادیخواه منطقه و تمامی دنیا مردود و محکوم است.

بالا گرفتن تهدید های سردمدار جنون زده و جنگ افروز کاخ سفید و لاف و بلوف سران جنایت پیشه نظام آخوندی در ایران برای انتقام گیری به دنبال کشته شدن قاسم سلیمانی این همه کاره رژیم در امور توسعه جوئی و جنایت در روز های اخیر توسط امریکا؛ کل منطقه را در آستانه آشوب و بی ثباتی و خلق های ایران، عراق و منطقه را در معرض جنگ ویرانگر تجاوزکارانه و ارتجاعی قرار داده است.

اما خلق های مظلوم و ستمکش و در معرض تهدید و نابودی منطقه از آسیای میانه تا شرق میانه و شمال افریقا به جای تحویل گرفتن بمب و دموکراسی کذائی امریکائی، انقلاب اسلامی و ایدئولوژی تشیع؛ به صلح پایدار، سازندگی، نظام های مردمی و دموکراتیک سیکولار و ترقی اجتماعی نیاز دارند. این مأمول تنها با برچیدن سلطه نظامی، اقتصادی و سیاسی امریکای متجاوز و اشغالگر، برچیدن هر نوع تجاوز، مداخله و سلطه دول توسعه طلب و مرتجع منطقه، اعاده استقلال و حاکمیت ملی کشور ها و خلع سلاح گروه های مزدور و نیابتی شبه نظامی میسر و ممکن است. این خلق های منطقه و نیرو های مترقی و آزادیخواه همین کشور ها اند که باید در برابر حضور اشغالگرانه و تحرکات تجاوزکارانه و جنایتکارانه امپریالیسم و دول مرتجع، ستمگر و توسعه طلب منطقه به طور مشترک بایستند.